

نقش میانجی‌گری نستوهی خانواده در رابطه با الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله و به زیستی خانواده

ماریا. ای آگیلار-وفایی^{۱*}، کاظم رسول‌زاده طباطبایی^۲، محیا ابراهیمی جمارانی^۳

۱. استاد روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: بر اساس مدل تاب‌آوری در تنیدگی، سازگاری و انطباق خانواده چهار حوزه‌ی مهم در زندگی وجود دارند که تنیدگی در آن‌ها وارد می‌شود و بنابراین حفظ تعادل و هماهنگی در این حوزه‌ها در راستای رسیدن به انطباق بسیار مهم است. یکی از این حوزه‌ها، به زیستی می‌باشد. اگرچه پژوهش‌های بسیاری به بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر به زیستی فردی پرداخته‌اند اما یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که متغیرهایی در سطح خانواده می‌توانند تأثیر عمیقی بر به زیستی فردی داشته باشند. الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله و نستوهی خانواده متغیرهایی هستند که در این پژوهش به‌عنوان عوامل مؤثر بر به زیستی اعضای خانواده مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب هدف پژوهش حاضر بررسی این سؤال است که آیا نستوهی خانواده در رابطه‌ی بین الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله و به زیستی خانواده نقش میانجی‌گری دارد؟

روش: این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه‌ی آماری شامل دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بود که از میان آن‌ها ۳۸۹ نفر نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب و از نظر الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله، نستوهی خانواده و به زیستی خانواده مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: نشان داد که نستوهی خانواده در رابطه‌ی بین الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله و به زیستی خانواده نقش میانجی‌گری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: بدین ترتیب الگوی ارتباطی حمایتی که الگوی مثبت و مؤثر خانواده در راستای حل مسئله است، یکی از ویژگی‌های خانواده‌ی نستوه است که در نهایت منجر به افزایش سطح به زیستی تجربه شده توسط اعضای خانواده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله، نستوهی خانواده، به زیستی خانواده.

*Email: vafaiesm@modares.ac.ir

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

روان‌شناسی
بالینی
و شخصیت

(دانشور رفتار)

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۲۸
بهار و تابستان ۱۳۹۶
صص: ۱۴۳-۱۳۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۱۳

Biannual Journal of

Clinical
Psychology
& Personality

(Daneshvar-e-Raftar)

Vol. 15, No. 1, Serial 28

Spring & Summer
2017

pp.: 137-143

مقدمه

شاید بتوان گفت که ازدواج و خانواده قدیمی‌ترین و تاب‌آورترین نهادهای اجتماعی هستند. از آغاز زندگی انسان، مردم خود را در قالب خانواده گروه‌بندی کرده‌اند تا بتوانند از حمایت هیجانی، فیزیکی و جمعی برخوردار شوند [۱]. ممکن است که سازمان‌دهی خانواده در نقاط مختلف جهان متفاوت باشد، با این وجود، هیچ‌گاه از اهمیت آن کاسته نمی‌شود. خانواده‌ها، واحدهای اصلی و اساسی اجتماعی در تمام جوامع انسانی می‌باشند و افراد سالم در خانواده‌های سالم، در مرکز و هسته‌ی یک جامعه‌ی سالم قرار دارند [۲]. یک خانواده فراتر از مجموعه‌ای از افراد است که فضای روانی و فیزیکی مشخصی را به اشتراک گذاشته‌اند. ارتباط بین اعضای خانواده عمیق و چندلایه است و به شکل وسیعی وابسته به یک تاریخ مشترک، ادراکات و تصورات درونی از جهان می‌باشد [۳]. نیرومندی خانواده تا اندازه‌ای است که علیرغم وجود فاصله‌ی مکانی زیاد بین اعضای آن، تأثیر خانواده همچنان باقی می‌ماند [۳]. مک کوبین و مک کوبین [۴] این‌گونه مطرح کردند که در واقع خانواده‌ها برای حفظ توازن و هماهنگی درون سیستم تلاش می‌کنند. بر اساس مدل تاب‌آوری در تنیدگی، سازگاری و انطباق خانواده^۱ [۴] چهار حوزه از زندگی که تنیدگی در آن‌ها وارد می‌شود از اهمیت بالایی برخوردار هستند زیرا حفظ تعادل و هماهنگی در این بخش‌ها برای رسیدن به انطباق ضروری می‌باشد. یکی از این حوزه‌ها، به زیستی^۲ می‌باشد. برای تعریف به زیستی دو رویکرد اصلی وجود دارد: رویکرد هدونیس و رویکرد یودایمانیک. رویکرد هدونیس^۳ (آریستوییوس، فیلسوف قرن چهارم)، عقیده‌ی رایج مربوط به خوشی و لذت، بر ساختارهایی مانند شادکامی^۴، عاطفه‌ی مثبت، میزان پایین عاطفه‌ی منفی^۵ و رضایت از زندگی تکیه دارد [۵]؛ بنابراین با توجه به رویکرد هدونیس، به زیستی محصول تجربه‌ی فرد است و به میزان نسبی لذت در برابر دردی که شخص تجربه می‌کند، باز می‌گردد. یا به عبارت دیگر، به میزان نسبی عاطفه‌ی مثبت در برابر عاطفه‌ی منفی تجربه شده اشاره دارد [۶]. بدین ترتیب خانواده‌ای از میزان بالاتر به زیستی ذهنی^۶ برخوردار است که میزان عاطفه‌ی مثبت آن از میزان عاطفه‌ی منفی‌اش بیشتر باشد و خانواده‌ای از میزان به زیستی کم‌تر برخوردار

است که عاطفه‌ی منفی‌اش بر عاطفه‌ی مثبت غالب باشد [۷]. افراد متعلق به خانواده‌هایی با میزان بالاتر به زیستی، به‌طور عمده‌ای هیجانات مثبت را تجربه می‌کنند و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبت‌تری دارند؛ در حالی که اعضای خانواده‌های با میزان به زیستی پایین، حوادث و موقعیت‌های زندگی خود را نامطلوب ارزیابی می‌کنند و بیشتر هیجانات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند [۸]. مطالعات و پژوهش‌های گذشته پیرامون به زیستی عوامل بسیاری را به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز و مرتبط با به زیستی مطرح کرده‌اند [۷]. از جمله‌ی این عوامل می‌توان به تفاوت‌های فردی و شخصیتی، هیجانات، سلامت جسمانی، طبقه‌ی اجتماعی و بسیاری دیگر از عوامل اشاره کرد. آنچه جای تأمل دارد این است که اغلب این متغیرها در سطح فردی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در حالی که پژوهش‌های پیشین بر اهمیت و تأثیر خانواده بر فرد تأکید فراوان داشته‌اند. به دلیل روابط پیچیده، نزدیک، آشکار و پنهان اعضای یک خانواده، تجربه‌ی عواطف مثبت و منفی توسط یکی از اعضا، می‌تواند بر روی سایرین نیز تأثیرگذار باشد؛ بنابراین با اتخاذ رویکرد هدونیس، به زیستی خانواده را می‌توان از طریق سنجش میزان تجربه‌ی عواطف مثبت و منفی توسط اعضا، مورد بررسی قرار داد. بدین ترتیب متغیرهایی در سطح خانواده وجود دارند که در میزان به زیستی اعضای خانواده در سطح فردی مؤثر خواهند بود. از جمله‌ی این متغیرها می‌توان به الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله و نستوهی خانواده اشاره کرد.

یکی از متغیرهایی که رابطه‌ی نزدیکی با به زیستی دارد، ارتباط است. همان‌طور که کورنر^۷ و فیتزپاتریک^۸ [۹] اشاره کرده‌اند، در ارتباط با تأثیر خانواده بر رفتارهای فردی هیچ حوزه‌ای به اندازه‌ی حوزه‌ی رفتارهای ارتباطی از یک چنین نفوذ عمیقی برخوردار نمی‌باشد. خانواده به نفوذ و تأثیر خود بر رفتار و به زیستی فرزندان حتی پس از زمانی که آن‌ها خانواده را ترک می‌کنند نیز ادامه می‌دهد [۱۰]. الگوی ارتباطی خانواده، روان بنه‌ها و رهنمودهایی را برای برهمکنش خانواده فراهم می‌کند [۱۰]. بر طبق مدل مک کوبین و همکاران، دو الگوی اصلی ارتباط در خانواده‌ها در هنگام حل مسائل وجود دارد. الگوی حمایتی و الگوی انتقادی. ارتباط حمایتی می‌تواند به‌عنوان الگویی از ارتباط خانواده که شامل حمایت، مراقبت و ایجاد یک تأثیر آرام‌بخش است، توصیف شود [۱۱].

¹ Resiliency model of family stress, adjustment and adaptation

² Well-being

³ Hedonic

⁴ Happiness

⁵ Low Negative Affect

⁶ Subjective Wellbeing

⁷ Koerner

⁸ Fitzpatrick

می‌شود. بدین ترتیب نستوهی خانواده عبارت است از احساس درونی کنترل بر رویدادهای زندگی و سختی‌ها، احساسی مبنی بر اینکه زندگی پرمعناست، شرکت کردن در فعالیت‌ها، تعهد برای یادگیری و مکاشفه و جست‌وجوی چیزهای جدید و در نهایت به چالش کشیدن تجربیات [۱۳]. نیری [۱۸] در پژوهش خود بیان می‌کند که نستوهی مانند یک سپر در برابر موقعیت‌های تنیدگی‌زا قرار می‌گیرد که میزان اضطراب و افسردگی را کاهش داده و موجب افزایش سطح سلامتی، شادی و عواطف مثبت شده و هیجانات منفی ناخوشایند را کاهش می‌دهد. مطالعات انجام شده توسط کهریزه، بزازیان و قمری [۱۹] نشان می‌دهد که برای ارتقای به زیستی ذهنی پرستاران، می‌توان عملکرد خانواده و نستوهی را از طریق برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای بهبود بخشید. شواهد حاکی از آن هستند که نستوهی به‌عنوان یک متغیر میانجی گر عمل کرده و موجب می‌شود تا خانواده‌ها تنیدگی را به شکل سازنده‌ای ادراک کنند. همچنین پژوهش نیری [۱۸] نشان داد که مدیرانی که از میزان بالاتر نستوهی برخوردار هستند و به‌ویژه در زیر مقیاس کنترل نمره‌ی بیشتری را کسب می‌کنند، از میزان بیش‌تر به زیستی بهره‌مند می‌باشند. بدین ترتیب خانواده‌های نستوه‌تر در هنگام رویارویی با مشکلات، عواطف منفی کم‌تری را تجربه می‌کنند و تمایل بیش‌تری به عواطف مثبت دارند از این‌رو می‌توان انتظار داشت، طبق رویکرد هادونیس خانواده‌های نستوه‌تر از میزان به زیستی بیش‌تری برخوردار باشند.

بدین ترتیب هدف مطالعه‌ی حاضر حرکت از سطح خانوادگی به سطح فردی، بدین معنا که متغیرهایی که در سطح خانوادگی قرار دارند تا چه میزان بر به زیستی اعضای خانواده مؤثر خواهند بود و بررسی نقش میانجی‌گری نستوهی در رابطه‌ی الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله و به زیستی خانواده، می‌باشد.

روش

نوع پژوهش

روش پژوهش حاضر جزء مطالعات همبستگی است.

آزمودنی

الف) جامعه آماری: جامعه آماری شامل دانشجویان کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران می‌باشد.

ب) نمونه پژوهش: با توجه به ماهیت پژوهش و با استفاده از جدول مورگان حداقل حجم گروه نمونه ۴۰۰ نفر می‌باشد. به دلیل برخی از محدودیت‌های مربوط به پژوهش،

با توجه با اظهارات ووچینیچ^۱، ازریچ، پرت و نیدلر [۱۲] ارتباط مثبت شامل ایجاد گرمی و ملایمت، حمایت، توافق و صمیمیت است. در مقابل ارتباط انتقادی، دفاعی یا منفی در ماهیت خود التهای است و گرایش به تشدید یک موقعیت پر تنیدگی دارد. ارتباط دفاعی برخلاف ارتباط حمایتی تهدیدآمیز یا نسبت به دیگران خشن است و منجر به افزایش ارتباط و رفتار منفی می‌شود [۱۱].

دو سؤالی که به هم مرتبط هستند و به شکل مداوم پرسیده می‌شوند عبارت‌اند از: چه تیپ یا قسمی از خانواده‌ها به احتمال بیشتری خوب^۲ یا شاد هستند؟ و آیا خانواده‌هایی وجود دارند که بتوان آن‌ها را به‌عنوان خوشحال یا خوب مشخص کرد؟ به عبارت دیگر آیا ویژگی خاصی در خانواده‌ها وجود دارد که با به زیستی مرتبط باشد؟ تیپ خانواده رفتار معمول، قابل پیش‌بینی و الگوی عادی خانواده است که در طول زمان تثبیت شده است [۱۳]. تحقیقات انجام شده توسط مک کوپین و همکارانش [۱۱] اثبات کرده است نستوهی یکی از ابعادی است که برای دسته‌بندی تیپ‌های مختلف در خانواده‌ها به کار می‌رود. سازه‌ی نستوهی از سه زیر سازه تشکیل شده است: تعهد^۳، کنترل^۴ و چالش طلبی^۵. تعهد در نتیجه‌ی یک احساس هدفمندی حاصل می‌شود که می‌تواند موجب عبور فرد از شرایط سخت و پرتلاطم شود. کنترل شامل این باور است که رویدادهای زندگی بخشی از نتایج اعمال و نگرش‌های خود شخص می‌باشد، بنابراین قابل تغییر هستند. چالش طلبی بر پایه‌ی این باور است که تغییر و نه ثبات، یک حالت هنجار و عادی در زندگی می‌باشد [۱۴]. مدی [۱۵] بیان می‌کند که شخصیت نستوه به‌صورت ترکیبی از نگرش‌های تعهد، کنترل و چالش طلبی ظاهر می‌شود که به مدیریت موقعیت‌های تنش‌زا و تغییر آن‌ها به شرایط رشد دهنده و نه تضعیف‌کننده کمک می‌کند. با توجه به اظهارات مدی، نستوهی الگویی از نگرش‌ها و استراتژی‌هاست که شجاعت وجودی و انگیزه انجام کارهای سخت در راستای تبدیل شرایط استرس‌زا و فجایع بالقوه به فرصت‌هایی برای رشد را شکل می‌دهد [۱۶]. همان‌طور که چن [۱۷] بیان می‌کند سازه‌ی نستوهی خانواده درست مانند نستوهی فردی از سه عامل تعهد، کنترل و چالش طلبی تشکیل شده است و به‌واسطه‌ی پاسخ اعضای خانواده به مشکلات و عوامل استرس‌زا با بهره‌گیری از انسجام و حمایت خانواده تعریف

¹ Vuchinich

² Well

³ Commitment

⁴ Control

⁵ Challenge

حمایتی به ترتیب ۰/۶۶ و ۰/۸۳ به دست آمد. ۲) پرسشنامه به‌زیستی خانواده: این پرسشنامه در سال ۱۹۸۳ توسط مک کوبین و پترسون ایجاد شد، یک پرسشنامه ۸ سؤالی است که به اندازه‌گیری میزان به‌زیستی می‌پردازد.

پاسخ هر سؤال به شکل یک پیوستار ۱۱ گزینه‌ای که امتیاز آن از ۰ تا ۱۰ متغیر است، می‌باشد. سؤال‌ها باید با توجه به تجربیاتی که در طول یک ماه گذشته روی داده‌اند، پاسخ داده شوند. برخی از آیتم‌ها به شکل معکوس نمره‌گذاری شده‌اند و نمره کل از جمع نمره‌ی مربوط به تک‌تک سؤالات حاصل می‌شوند. مک کوبین و تامپسون آلفای کرونباخ این آزمون را ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. آلفای کرونباخ این آزمون در پژوهش حاضر ۰/۷۱ به دست آمد. مثال: لطفاً دور عددی در طول نوار خط بکشید که به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین شکل به حال عمومی شما در طول یک ماه گذشته باشد.

به‌هیچ‌وجه نگران ۰-۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰- بسیار نگران

۳) مقیاس نستوهی خانواده: توسط مک کوبین، مک کوبین و تامپسون برای اندازه‌گیری ویژگی‌های نستوهی به‌عنوان یک عامل مقاوم در برابر تنیدگی، یک منبع انطباق در خانواده که می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده یا تعدیل‌کننده تأثیرات نیازها و رویدادهای تنیدگی‌زا، تسهیل‌کننده تاب‌آوری، انطباق و سازگاری خانواده در طول زمان باشد، ایجاد شد. نستوهی خانواده به‌ویژه به قدرت و توانایی درونی و مقاومت واحد خانواده باز می‌گردد و توسط داشتن احساس کنترل در برابر سختی‌ها و نتایج رویدادهای زندگی، داشتن رویکردی مبتنی بر سودمند بودن و عاملی برای رشد و تعالی بودن، نسبت به تغییرات در زندگی و برخورداری از جهت‌گیری فعال در برابر غیرفعال نسبت به سازگاری و مدیریت رویدادهای تنیدگی‌زا مشخص می‌شود. مقیاس نستوهی خانواده با آلفای کرونباخ ۰/۸۲ یک ابزار ۲۰ سؤالی است که می‌تواند سه عامل تشکیل‌دهنده نستوهی را اندازه‌گیری کند. هر ماده آن توسط پاسخ‌دهنده، به‌صورت خودگزارشی، در یک مقیاس ۴ درجه‌ای ۰ (نادرست) تا ۳ (درست) درجه‌بندی می‌شود و هر عبارت موقعیت کنونی خانواده را توصیف می‌کند. آلفای کرونباخ هر یک از سه عامل تشکیل‌دهنده نستوهی یعنی تعهد، چالش طلبی و کنترل، با توجه به گزارش مک کوبین و همکاران، به ترتیب برابر ۰/۸۱، ۰/۸۰ و ۰/۶۵ می‌باشد. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲ و برای هر یک از عوامل تعهد، چالش طلبی و کنترل به ترتیب برابر است با

ناقص بودن برخی از پرسشنامه‌های دریافتی از سوی افراد، حجم نمونه‌ی نهایی شامل ۳۸۹ نفر بود. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا ۳ دانشگاه به شکل تصادفی و از هر دانشگاه ۳ دانشکده به تصادف انتخاب گردید. در مرحله‌ی بعد، به‌صورت در دسترس نمونه‌ی مورد نظر انتخاب و با استفاده از مقیاس‌های ارتباط خانواده در راستای حل مسئله^۱، مقیاس به‌زیستی افراد خانواده^۲ و مقیاس نستوهی خانواده^۳ مورد آزمون قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

۱) مقیاس ارتباط خانواده در راستای حل مسئله: توسط مک کوبین، مک کوبین و تامپسون برای ارزیابی دو الگوی غالب در ارتباط خانواده که نقش مهمی را در مقابله‌ی خانواده با سختی‌ها و مصیبت‌های زندگی ایفا می‌کنند، ایجاد شد. با توجه به اینکه همه خانواده‌ها دارای هر دو الگوی مثبت و منفی ارتباط هستند، نیاز برای اندازه‌گیری در جهت ارزیابی هر دو الگو به‌عنوان عامل‌های مهم در فرآیند تاب‌آوری و حل مسئله‌ی خانواده، مهم هستند. این مقیاس یک ابزار ۱۰ سؤالی است که هر ماده آن توسط پاسخ‌دهنده، به‌صورت خود گزارشی، در یک مقیاس ۴ درجه‌ای، از ۰ (نادرست) تا ۳ (درست) درجه‌بندی می‌شود. اعضای خانواده باید با توجه به میزانی که عبارت قید شده در ارتباط با الگوی برقراری ارتباط در خانواده‌ی آن‌ها، درست یا نادرست می‌باشد، پاسخ بدهند. این مقیاس دارای دو بخش ۵ سؤالی است. بخش اول ارتباط انتقادی^۴ و بخش دوم ارتباط حمایتی^۵. ارتباط انتقادی: الگویی از ارتباط خانواده که طبیعت آن التهابی است و گرایش آن به برانگیختن یک موقعیت تنیدگی‌زاست. این الگوی ارتباطی توسط ۵ سؤال معین می‌شود. ارتباط حمایتی: الگویی از ارتباط خانواده که نشان‌دهنده‌ی تأیید، مراقبت و یک تأثیر آرامش‌بخش می‌باشد. این الگوی ارتباطی توسط ۵ سؤال معین می‌شود. همسانی درونی برای کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۸۹ مشخص شده است. اعتبار درونی مواد به‌صورت انفرادی با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ برای الگوی انتقادی و ۰/۸۶ برای الگوی حمایتی، توسط مک کوبین و همکاران، مشخص شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ و برای الگوی انتقادی و

¹ Family Problem Solving Communication (FPSC)

² Family Member Well-being (FMWB)

³ Family Hardiness Index (FHI)

⁴ Incendiary Communication

⁵ Affirming Communication

۰/۷۳، ۰/۶۴ و ۰/۶۳ به دست آمد.

شیوه تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به منظور بررسی نقش واسطه‌ای نستوهی مورد بررسی قرار گرفت. اگر سه شرط رابطه‌ی معنادار بین [۱] متغیر پیش‌بین با متغیر واسطه‌ای مفروض، [۲] رابطه‌ی معنادار بین متغیر پیش‌بین با متغیر ملاک و [۳] رابطه‌ی معنادار بین متغیر واسطه‌ای مفروض با متغیر ملاک مورد تأیید قرار بگیرند می‌توان اقدام به آزمون نقش واسطه‌ای در معادله‌ی چهارم کرد که در آن، نقش متغیر واسطه‌ای در رابطه‌ی بین متغیر پیش‌بین با ملاک، کنترل می‌شود و معناداری مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این منظور، اگر با وارد کردن متغیر واسطه‌ای مفروض و سپس متغیر پیش‌بین به معادله‌ی رگرسیون، معناداری رابطه‌ی بین متغیر پیش‌بین با ملاک از بین برود ولی رابطه‌ی بین متغیر واسطه‌ای مفروض با ملاک همچنان معنادار باشد، نقش واسطه‌ای مورد تأیید قرار می‌گیرد [۲۰]. در این پژوهش برای محاسبه‌ی ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون از نرم‌افزار آماری «اس. پی. اس. اس.»^۱ ویرایش ۱۶ استفاده شد.

نتایج

این پژوهش بر روی ۳۸۹ دانشجوی مقطع کارشناسی با دامنه‌ی سنی ۲۷-۱۸ سال و میانگین سنی ۲۱/۲ و انحراف معیار ۱/۴۹ سال که ۶۴/۸ درصد آن‌ها دختر بودند، انجام شد. تعداد اعضای خانواده از بین ۳ تا ۹ و رتبه‌ی تولد دانشجویان بین ۱ تا ۷ متغیر بود. جدول ۱، شاخص‌های توصیفی آزمودنی‌ها را در متغیرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
الگوی ارتباطی در راستای حل مسئله	۱۸/۵	۵/۲۷
ارتباط حمایتی	۹/۴	۳/۱۱
ارتباط انتقادی	۵/۹	۲/۶۲
به زیستی	۴۳/۲۸	۱۱/۴۶
نستوهی	۳۹/۸	۷/۴
تعهد	۱۶/۵۵	۳/۴۵
چالش طلبی	۱۱/۱	۲/۸۷
کنترل	۱۲/۱۸	۳/۸۷

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۲ نشان داده

^۱ SPSS

شده است. بر اساس داده‌های این جدول همبستگی الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله با به زیستی خانواده ۰/۲۶، الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله با به زیستی خانواده ۰/۶ و نستوهی خانواده با به زیستی خانواده ۰/۴۳ همه در سطح $p < 0/0001$ معنادار هستند.

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون بین نمرات آزمودنی‌ها در مورد الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله، نستوهی خانواده و به زیستی خانواده

متغیرها	ضرایب همبستگی
الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله	-
نستوهی خانواده	۰/۶*
به زیستی خانواده	۰/۲۶* ۰/۴۳*

* $p < 0/0001$

سپس با توجه به تحقق سه شرط لازم، برای سنجش میزان تأثیر واسطه‌ای نستوهی خانواده بر الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله و به زیستی خانواده، تحلیل رگرسیون دو گامی انجام شد. نتایج این تحلیل در جدول ۳ ارائه شده‌اند. این نتایج نشان دادند که با وارد شدن متغیر واسطه‌ای نستوهی خانواده، ضریب β (۰/۱۶، ۰/۷۸) ($P < 0/0001$) برای الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله و به زیستی خانواده دیگر معنادار نیست.

جدول ۳. جدول مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری اثر واسطه‌ای نستوهی خانواده بر الگوی ارتباطی و به زیستی خانواده

متغیرها	R^2	ΔR^2	B	SEB	β	t
گام اول: نستوهی خانواده	۰/۱۸	۰	۰/۶۶*	۰/۰۸۸*	۰/۴۱۶*	۷/۳*
گام دوم: الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله	۰/۱۸	۰	۰/۰۳۵	۰/۱۲۴	۰/۰۱۶	۰/۳

* $p < 0/0001$

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاکی از آن هستند که علت تأثیرگذاری الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله بر به زیستی اعضای خانواده، به واسطه‌ی ویژگی نستوهی خانواده می‌باشد و نستوهی خانواده نقش متغیر میانجی گر را بر عهده دارد. در تعریف متغیر میانجی این‌گونه ذکر شده است که به شکل کلی این متغیر علت رابطه‌ی بین متغیر پیش‌بین و متغیر ملاک است. در واقع این متغیر توضیح می‌دهد که چگونه و چرا این ارتباط وجود دارد [۲۰]. با توجه به اظهارات مدی

ایجاد گرمی و ملایمت، حمایت، توافق و صمیمیت است. این نوع ارتباط سبب می‌شود که اعضا در هنگام مواجهه با مشکل در یک فضای حمایت‌گرا و سرشار از همدلی به حل تعارض بپردازند. این خانواده‌ها در هنگام مواجهه با مشکل سرهم داد و فریاد نمی‌زنند، به افکار و احساسات یکدیگر احترام گذاشته و درباره‌ی مشکل صحبت می‌کنند تا به یک راه‌حل برسند. گفتگو در رابطه با راه‌حل‌ها شامل، پذیرفتن تفاوت‌ها، برقراری ارتباط در بین تمام اعضای خانواده همراه با فهم و درک متقابل است. خانواده‌هایی که از عملکرد خوبی برخوردار هستند از انتقاد و سرزنش یکدیگر اجتناب می‌کنند [۲۷]. بدیهی است که در چنین فضایی افراد کم‌ترین میزان عاطفه‌ی منفی را تجربه می‌کنند و سطح عاطفه‌ی مثبت همراه با همدلی بسیار بیش‌تر خواهد بود. همان‌طور که اولسون و بارنس نشان داده‌اند، وقتی که روابط درون نظام خانواده خوب باشد، اعضای خانواده احساس نزدیکی بیش‌تری می‌کنند، یکدیگر را بیش‌تر دوست خواهند داشت و برای حل مشکلات، انعطاف‌پذیری بیش‌تری از خود نشان می‌دهند [۲۸]. بدین ترتیب برخورداری از الگوی ارتباطی حمایتی در هنگام حل مسئله، یکی از ویژگی‌های خانواده‌ی نستوه می‌باشد که در نهایت بر میزان به‌زیستی تجربه شده توسط اعضای خانواده تأثیرگذار خواهد بود.

منابع

- 1- Doherty, W. J. (2000). Take back your kids: confident parenting in trouble times. Sorin Books
- 2- DeFrain, J., & Asay, S. M. (2008). Strong families around the world: An introduction to family strengths theory. Journal of marriage and family review. Vol 41:PP.1-10.
- 3- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (8th Ed). (2012). Family therap. Publisher: Cengage Learning
- 4- McCubbin, M. A., & McCubbin, H. I. (1996). Resiliency in families: A conceptual model of family adjustment and adaptation in response to stress and crisis. In H. I. McCubbin, A. I. Thompson, & M. A. McCubbin [Eds.], Family assessment: Resiliency, coping and adaptation: Inventories for research and practice. Madison, WI: University of Wisconsin, pp.1-64.
- 5- Ryan, R. M., Deci, E. L. (2001). On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being. Annu. Rev. Psychol. Vol 52: PP.141-66.

[۲۱] نستوهی الگویی از نگرش‌ها و استراتژی‌هاست که از شجاعت وجودی و انگیزه برای سخت کار کردن در جهت تبدیل شرایط استرس‌زا و فجایع بالقوه به فرصت‌های رشدی تشکیل شده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، یک خانواده‌ی نستوه به‌صورت ترکیبی از نگرش‌های تعهد، چالش‌طلبی و کنترل تعریف می‌شود که می‌تواند به ادراک مثبت و خوش‌بینانه از وقایع دست یابد. طبق تحقیقات روشن و شاکری [۲۳] این سه عامل از هم تفکیک‌ناپذیر هستند و باید به‌عنوان یک واحد در نظر گرفته شوند. یافته‌ها حاکی از آن هستند که خانواده‌های با عملکرد بهتر، رویکرد مثبت‌تری به زندگی دارند [۲۲]. همچنین شریفی و همکاران [۲۴] در پژوهش خود نشان دادند، فرزندان متعلق به خانواده‌های نستوه با زندگی در می‌آمیزند، از آن لذت می‌برند، بر روند زندگی خویش احساس کنترل دارند، از تغییر نمی‌هراسند و در برابر فشارهای زندگی مقاوم‌تر هستند. این خانواده‌ها به سبب برخورداری از یک دیدگاه خوش‌بینانه بر این باورند که مشکلات به وجود آمده بخشی از روند زندگی در جریان می‌باشد، این مشکلات آنان را آشفته و منزوی نمی‌کند بلکه سبب می‌شود تا از این موقعیت برای رشد استفاده کنند و با درگیری کامل در مسائل به‌طور هدفمند برای حل آن‌ها تلاش کنند [۲۵]؛ بنابراین با بهره‌گیری از یک رویکرد مثبت در ارتباط بین اعضا با حفظ آرامش در جهت رسیدن به راه‌حل تلاش می‌کنند. از این‌رو نقش میانجی‌گری نستوهی خانواده به این صورت تأیید می‌شود که نشان می‌دهد الگوی ارتباطی خانواده در راستای حل مسئله به‌واسطه‌ی ویژگی نستوهی خانواده یعنی درگیر شدن در فرآیند حل مسئله (تعهد)، در کنترل داشتن مسائل و برنامه‌ریزی برای حل آن‌ها (کنترل) و عبور از چالش‌ها برای رسیدن به رشد (چالش‌طلبی) تأثیر خود را بر به‌زیستی اعضای خانواده می‌گذارد. این یافته‌ها با پژوهش کهریزه، بزازیان و قمری [۱۹] همسو است. به این صورت که آن‌ها در تحقیقات خود نشان دادند برای ارتقای به‌زیستی ذهنی پرستاران، می‌توان عملکرد خانواده و نستوهی را از طریق برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای بهبود بخشید به عبارت دیگر دلیل تأثیر الگوی ارتباطی مثبت بر به‌زیستی خانواده نگرش نستوهی است که سبب می‌شود افراد خانواده در هنگام رویارویی با مشکلات به‌جای اینکه آشفته شوند و عواطف منفی را تجربه کنند، در یک جو آرام به حل مسائل بپردازند و گفت‌وگویی سازنده داشته باشند. بدین ترتیب رویکرد گفت‌ووشنود یک رویکرد مثبت در الگوی ارتباطی خانواده است. با توجه با اظهارات ووچینیچ و همکاران [۱۲، ۲۶] ارتباط مثبت شامل

- ۱۹- کهریزه، چیمین، بزازیان، سعیده، قمری، محمد. (۱۳۹۳). رابطه‌ی سخت رویی روان‌شناختی و عملکرد خانواده با به زیستی ذهنی پرستاران. مجله‌ی مراقبت‌های پیشگیرانه در پرستاری. سال ۴. شماره ۱. صص ۴۴-۵۳
- 20- Baron, A. H., & Kenny, D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic and statistical consideration. *J.P.S.P.* Vol 51: PP.1173-1182.
- 21- Maddi, S. R. (2004). Hardiness: an operationalization of existential courage. *J.H.P.* Vol44:PP.2798-298.
- ۲۲- روشن چسلی، رسول. شاکری، رضا. (۱۳۸۹). بررسی اعتبار و پایایی مقیاسی برای سنجش سرسختی روان‌شناختی دانشجویان. روان‌شناسی بالینی و شخصیت. سال ۱۷. شماره ۴۰. صص ۳۵-۵۲
- 23- Walsh, F. (2003). Family resilience: A framework for clinical practice. *Family process.* Vol 42:PP. 1-18.
- ۲۴- شریفی، خلیل. عریضی، حمیدرضا. نامداری، کوروش. (۱۳۸۴). بررسی رابطه‌ی عملکرد خانواده و سرسختی روان‌شناختی در دانش آموزان. دو فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت. سال ۱۲. شماره ۱۰. صص ۸۰-۹۴
- ۲۵- شیورانی، مونا. (۱۳۹۰). رابطه‌ی نستوهی و رضامندی زنان شویی در زوج‌های جوان ایرانی. فصلنامه‌ی خانواده‌پژوهی. سال ۷. شماره ۳. صص ۲۹۲-۲۸۱
- 26- Jordaan, C. (2011). Affirming communication and its association with family functioning [dissertation]. Stellenbosch Uni.
- 27- Black, k. Lobo, M. (2008). A conceptual review of family resilience factors. *J.F.N.* Vol14:PP.33-55.
- 28- Jackson, s. Bijstra, J. Ostra, L. Bosma, H. (1998). Adolescents' perception of communication with parents relative to specific aspects of relationships with parents and personal development. *J.A.* Vol 21:PP.305-322.
- 6- Tomer, J. F. (2011). Enduring happiness: Integrating the hedonic and eudemonic approaches. *J.S.E.* vol 40:PP.530-537.
- 7- Ryan, R.M., Huta, V., Deci, E.L., (2008). Living well: a self-determination theory perspective. *J.H.S happi.* VOL9:PP. 139-170.
- ۸- کرمی نوری، رضا. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر احساس شادی و به زیستی دانشجویان. مجله‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی. سال ۲۶. شماره ۱. صص ۴۱-۴۴
- 9- Koerner, A. F., Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. *I.A.C.* Vol12: PP.70-91.
- 10- Shrodt, P. Ledbetter, A. M. (2007). Communication processes that mediate family well-being: a mean and covariance structure analysis of young adults from divorced and nondivorced families. *J.H.C.R.*Vol 33: PP.330-356.
- 11- McCubbin, M. A., McCubbin, H. I. & Thompson, A. I. (1988). Family problem solving communication(FPSC).In McCubbin, M. A., McCubbin, H. I. & Thompson, A. I. (1996). Family assessment: Resiliency, coping and adaptation-inventories for research and practice. University of Wisconsin: pp. 639-686.
- 12- Vuchinich, S., Ozretich, R. A., Pratt, C. C., & Kneedler, B. (2002). Problem-solving communication in foster families and birth families. *J. C.w.L.A.* Vol81:PP. 571-594.
- 13- VanBreda, A. D. (2001). Resilience Theory: A Literature Review. Pretoria: South African Military Health Service.
- 14- Kobasa, S. C. (1982). Commitment and coping in stress resistance among lawyers. *J .P.S.P.* Vol 42:PP.707-717.
- 15- Maddi, S. R. (2002). The personality construct of hardiness. *J .R.I.P.* Vol36:PP. 72-85.
- 16- Cowdrey, F. A., Walters, S. L. (2013). Salvatore R. Maddi: hardiness, turning stressful circumstances into resilient growth. *Applied research quality life .*Vol8: PP.265-267
- 17- Chan, D. (2005). Self-perceived creativity, family hardiness and emotional intelligence of Chinese gifted student in Hong Kong. *J.S.G.E.* Vol2:PP.47-56.
- 18- Nayyeri, M., Aubi, S. (2011). Prediction well benign on basic components of hardiness. *S.B.P.* Vol30: PP.1571-1575.

